

مالیات‌های اسلامی و جایگاه آن در تأمین منابع مالی

زینب خزائی

کارشناس ارشد علوم اقتصادی
Khazaei6737@gmail.com

مرجان یزدان پور

کارشناس ارشد مدیریت
Mr.y294@gmail.com

امروزه در فضای بین‌المللی مباحث مربوط به تأمین مالی اسلامی اهمیت بسیار بالایی یافته است. نیازهای فراوان مالی پروژه‌های عمرانی و صنعتی کشور و لزوم تأمین مالی این طرح‌ها از منابع داخلی و خارجی مطابق با موازین شرع، ضرورت پرداختن به این مباحث را دوچندان می‌کند. مروری بر آیات و روایات وارده در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد که در اسلام، فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی پدیده‌ای مذموم شناخته شده و یکی از اهداف مهم نظام اسلامی و به تبع آن اقتصاد اسلامی از بین بردن این موارد می‌باشد. از این رو، در جامعه اسلامی لازم است تمام روابط اقتصادی و مالی به نحوی تنظیم گردد که نظام اقتصادی بتواند در راستای تأمین اهداف مورد نظر اسلام حرکت کند. از سوی دیگر، نظام تأمین مالی اسلامی به‌عنوان یکی از ابعاد نظامی جامع‌تر به‌نام اقتصاد اسلامی، نسبت به تأمین اهداف مورد نظر اسلام در حوزه اقتصاد دارای وظیفه بوده و نمی‌تواند نسبت به این اهداف بی‌تفاوت و یا کم‌توجه باشد. از این رو می‌توان ادعا کرد که تلاش در جهت رفع فقر و تقویت عدل و احسان در جامعه از اهداف اصلی نظام مالی اسلام است. مالیات و سیاست‌های مالیاتی اسلامی در ابعاد مختلفی با مالیات و سیاست‌های مالیاتی در اقتصاد جدید مشابهت زیادی دارد و موازی با اهداف رشد اقتصادی کشورهاست؛ هدفی که همه کشورها همواره در تلاش برای رسیدن به آن هستند. در زمان حاضر لزوم پرداخت انواع مالیات‌ها به‌همراه وجوب پرداخت حقوق مالی-دینی و ارتباط آنها با یکدیگر، از مسائلی است که نظام‌های مالیاتی و نهادهای دینی و همچنین مردم با آن مواجه هستند و بالطبع این ارتباط ابهاماتی را برای هر یک از 3 ضلع فوق‌الذکر ایجاد نموده که حل آن ضرورتی علمی و اجرایی است. بنابراین جستجوی راه‌حل‌های مناسب جهت ساماندهی این ارتباط موجب افزایش کارایی پرداخت‌های مالی مردم می‌شود. بی‌شک تأمل جدی در این بحث می‌تواند فرایند اقتصاد اسلامی را توسعه بخشد و نقش آن را در کل اقتصاد کشور پررنگ‌تر نماید.

واژه‌های کلیدی: تأمین مالی اسلامی، خمس، زکات، مالیات‌های اسلامی.

1. مقدمه

امروزه در تمام کشورها برای دولت‌ها وظایف اقتصادی و گوناگونی پیش‌بینی شده که در انجام این وظایف مجبورند مخارج و هزینه‌های سنگینی را متحمل شوند. بنابراین برای تأمین مالی این مخارج، دولت‌ها باید بر اساس قوانین و ضوابط حاکم بر کشور از راه‌های مختلف کسب درآمد کنند.

درآمدهای دولت معمولاً با افزایش مالیات و دارایی‌های عمومی افزایش می‌یابد، اما هزینه‌های دولت با هر نوع فعالیتی که بار مالی به همراه داشته باشد با شتابی افزون‌تر خود را نشان می‌دهد که اغلب به کسری‌های بودجه مزمین می‌انجامد.

راه‌های مختلفی برای تأمین مالی دولت در هنگام کسری بودجه وجود دارد که معمول‌ترین و مهم‌ترین این روش‌ها عبارتند از: استقراض خارجی، چاپ پول و استقراض داخلی (انتشار اوراق قرضه، استقراض از سیستم بانکی یا بانک مرکزی) افزایش میزان و یا انواع درآمدهای مالیاتی و بنابراین از آنجا که می‌توان کسری بودجه دولت (BD) را تفاوت بین مخارج دولت (G) و درآمد مالیاتی (T) دانست که این تفاوت از لحاظ معادلات اقتصادی باید با مجموع تغییرات پایه پولی (ΔMB)¹ و تغییرات در اوراق قرضه دولتی که در دست مردم (ΔB) است برابر باشد، می‌توان نوشت:

$$BD = G - T = \Delta MB + \Delta B \quad (1)$$

(لازم به ذکر است که این معادله به قید بودجه معروف است)

برای توضیح بیشتر باید گفت که وقتی دولت قصد دارد مخارج خود را A ریال افزایش دهد اگر A ریال را دقیقاً با افزایش مالیات تأمین کند با کسری بودجه مواجه نخواهد شد و در واقع بودجه متوازن باقی می‌ماند و نیازی به افزایش پایه پولی و یا انتشار اوراق قرضه نیست، اما آنچنان که در ادامه خواهیم گفت افزایش مالیات بدون در نظر گرفتن سطح درآمد و مخارج مردم از منظر اقتصاد اسلامی مردود است و موجب کاهش رفاه و افزایش نارضایتی مردم خواهد شد. اما اگر دولت نخواهد مالیات را افزایش دهد باید میزان A ریال اوراق قرضه به مردم بفروشد یا پایه پولی را از راه‌های مختلف چون چاپ پول و یا استقراض از بانک مرکزی افزایش دهد که تأمین کسری دولت از طریق افزایش پایه پولی و به تبع آن افزایش عرضه پول به دلیل افزایش تورم موجود منجر به تشدید کسری ایجاد شده و گرفتاری اقتصاد در دام تورم و تبعات آن می‌شود. در نتیجه انتخاب دولت در نوع تأمین مالی برای کسری بودجه و مخارج خود از اهمیت بالایی برخوردار است. این در حالی است که اقتصاد اسلامی

1. Budget Deficit

2. Money Base

ضمن رعایت اصولی خاص و محکم از نظر شرعی با ارائه یک سیستم مالی جامع روش‌هایی برای تأمین مالی را مطرح کرده که با استفاده از آنها علاوه بر تأمین مالی دولت به برقراری عدالت و حفظ رفاه مردم نیز توجه می‌شود.

در اقتصاد اسلامی در مقایسه با سیستم‌های مالیاتی دیگر چون افراد داوطلبانه به پرداخت مالیات‌های موظف اقدام می‌کنند هزینه جمع‌آوری آن بسیار پایین است. آنچه تاکنون کمتر مورد توجه خاص محققان اقتصاد اسلامی قرار گرفته است طرح مسئله مالیات در یک نظام اقتصاد اسلامی و بر اساس فقه شیعه و مقایسه آن با جایگاه مالیات و سیاست‌های مالیاتی در اقتصاد جدید متکی بر نظام کینز می‌باشد و این پرسش مطرح می‌شود که آیا اساساً این امکان وجود دارد که در چارچوب یک دولت اسلامی بتوان مالیات‌های مخصوص مانند زکات، خمس، خراج، جزیه و امثال آن را در سایر منابع مالی دولت ادغام کرد.

2. مالیات در اقتصاد اسلامی و مشخصات آن

با توجه به اهداف بسیار متنوع و گوناگون اقتصاد اسلامی در مقایسه با مکتب‌های دیگر دولت به وجوه مختلفی جهت تأمین مخارج خود نیاز دارد، بنابراین مالیات‌های اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین مالی مخارج دولت از اهمیت خاصی برخوردار است. در نظام اسلامی نیز خداوند متعال برای حکومت و اداره حکومت اسلامی منبع مالی قرار داده است که این منابع مالی همان مالیات‌های شرعی و اسلامی است تا حکومت اسلامی با اخذ آن از مردم آن را به مصرف اداره جامعه و پیشرفت و توسعه کشور اسلامی برساند. اسلام برای توزیع مجدد درآمدها و ثروت‌ها دو نوع سیاست را اندیشیده است: سیاست‌های تکلیفی و سیاست‌های تشویقی. سیاست‌های تکلیفی شامل خمس، زکات مال، زکات بدن (فطریه)، کفاره‌های مالی (جریمه‌های شرعی برای تلفاتی مانند شکستن نذر و قسم، خوردن روزه ماه مبارک رمضان و ارتکاب برخی محرمات احرام در حج). علاوه بر این اسلام مردم را به صرف کردن اموال در راه خدا و کارهای خیر، به‌ویژه تأمین نیازمندان، تشویق کرده است (احمدی، 1391).

امیرالمؤمنین علی (ع) درباره اثرات مالیات در اداره جامعه اسلامی خطاب به مالک اشتر فرماندار مصر در نهج‌البلاغه می‌فرماید "امور مردم جز با سپاهیان، استوار نگردد و پایداری جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند. به‌درستی که خداوند سبحان، در اموال اغنیا، فقرا مقرر فرمود و گرسنه‌ای نمی‌ماند مگر به‌خاطر منع ثروتمندان و خداوند در این مسئله از

اغنيا پرسش خواهد نمود "و يا فرمان مي دهند" خراج ديار مصر را جمع کند، با دشمنان نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرها را آباد کند" (نهج البلاغه، نامه 53).

در اين بخش هدف اصلي ما تأکيد بر رئوس و مشخصات مهم نظام مالياتي اسلام در مقايسه با اصول مختلف نظام‌هاي مالياتي ديگر است. مهم ترين اين اصول را مي توان به صورت زير بيان کرد:

1-2. عبادي بودن و وظيفه تلقي کردن پرداخت ماليات

در اقتصاد اسلامي با توجه به تأثير جهان بيني اسلامي بر کردارهاي اقتصادي افراد، پرداخت‌هاي ماليات به هيچ وجه مانند نظام‌هاي ديگر بار تلقي نمي گردد، بلکه پرداخت ماليات به عنوان يک وظيفه شرعي و عبادي است که موجب کمال انسان نيز مي شود.

2-2. عدم انتقال ماليات

يکي از مهم ترين مسائل قابل طرح در اقتصاد بخش عمومي موضوع انتقال ماليات‌ها است. با توجه به اينکه ماليات بار تلقي مي شود، افراد سعي مي کنند به نحوي ماليات خود را به ديگران انتقال دهند، اما در اقتصاد اسلامي با توجه به اينکه پرداخت ماليات وظيفه شرعي افراد تلقي مي شود نه بار، به هيچ وجه مسئله انتقال ماليات به ديگران در اذهان مردم جاي نمي گيرد.

3-2. حداقل هزينه جمع آوري ماليات

در اقتصاد اسلامي، در مقايسه با ساير نظام‌هاي مالياتي، از آنجايي که افراد داوطلبانه به پرداخت ماليات‌هاي موظف اقدام مي کنند، هزينه جمع آوري ماليات بسيار پايين است.

4-2. تنوع و انعطاف پذيري ماليات‌ها

در اقتصاد اسلامي انواع مختلفی از ماليات‌ها وجود دارد. به عبارت ديگر علاوه بر ماليات‌هاي ثابت و سرانه (مانند جزيه و فطريه)، ماليات بر درآمد به شکل تناسبي (خمس) و ماليات بر دارايي‌هاي مختلف (زکات و غيره نيز وجود دارد که با توجه به وجود حد نصاب‌ها مي توان گفت برخي از اين ماليات‌ها نيز از نوع نزولي هستند. دو نظام مالياتي خمس و زکات مکمل يکديگرند، در برخي مواقع به علت وضعيت اقتصادي (هنگامي که کشاورزي نقش بيشتری دارد) ممکن است سهم زکات بيشتر شود و برعکس در وضعيت اقتصادي ديگر، ممکن است سهم خمس افزايش يابد (جامعه صنعتي). بنابراین در نظام مالياتي اسلام انعطاف پذيري مشاهده مي شود.

2-5. تأمین مالی مخارج معین

نظام مالیاتی اقتصاد اسلامی از نظر تأمین مالی مخارج، نقشی شبیه عوارض در نظام‌های مالیاتی دیگر ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، در نظام‌های مختلف مالیاتی، تفاوت مالیات و عوارض این است که مالیات‌ها به طور کلی به خزانه‌داری دولت واریز می‌شوند و دولت از طریق آن مخارج مختلف خود را تأمین می‌کند، در حالی که عوارض جمع‌آوری شده فقط باید در موارد و جاهای معین استفاده شوند. در اقتصاد اسلامی هر منبع مالیاتی جمع‌آوری شده باید به‌طور دقیق در موارد خاصی که تعیین شده است صرف شود.

2-6. ظرفیت مالیاتی

در اقتصاد اسلامی علاوه بر مالیات‌های مستقل (مانند خمس و زکات که نسبت و مقدار آنها از قبل به‌طور دقیق مشخص شده است) دولت می‌تواند مالیات‌های تابعی (مالیاتی که بر اساس وضعیت اقتصادی ممکن است مورد نیاز باشد) نیز وضع کند. به عبارت دیگر در اقتصاد اسلامی با توجه به اهمیت اهداف مختلف مورد توجه دولت چنانچه مالیات‌های رایج کافی نباشد دولت می‌تواند اقدام به وضع مالیات‌های جدید بکند. قرآن کریم سوره بقره آیه "219" در تأیید نکته توجه به تحمل بار مالیاتی یا ظرفیت مالیاتی در اقتصاد اسلامی می‌فرماید: ای پیامبر از تو سؤال می‌شود از چه چیزی باید انفاق صورت گیرد؟ بگو از مازاد مخارج ضروری زندگی. از نظر اقتصادی با توجه به تفسیر فوق می‌توان گفت، ظرفیت مالیاتی اقتصاد اسلامی تا حدی است که تمام مازاد درآمد نسبت به مخارج ضروری مشمول مالیات قرار گیرد. اهمیت این موضوع آنجاست که در قرن بیستم برای تعیین ظرفیت مالیاتی تعریفی مشابه تعریف اسلام ارائه شده است؛ به‌عنوان مثال "ظرفیت مالیاتی برابر است با کل تولید منهای مقداری که برای حداقل زندگی مورد نیاز مردم است".

2-7. عدالت مالیاتی

تعیین حد نصاب‌ها در نظام مالیاتی اسلام، دلیلی بر قطعی بودن اجرای عدالت در این نظام است. در اقتصاد اسلامی سیستم تناسبی مالیات‌ها به‌ویژه در مالیات بر درآمد (خمس) بسیار عادلانه‌تر از سایر سیستم‌های رایج چون سیستم تصاعدی می‌باشد.

برای توضیح بیشتر باید گفت مالیات بر درآمد (خمس) دارای منابع متعددی است که در حال حاضر شاید مهم‌ترین این منابع مازاد درآمد (ارباح مکاسب) است و منظور از مازاد درآمد، درآمد خالص یا درآمد پس از کسر مخارج ضروری است؛ به عبارت دیگر این منبع مالیاتی بر مبنای 20 درصد درآمد خالص وضع می‌گردد، در حالی که مبنای محاسباتی مالیات بر درآمد در نظام‌های دیگر درآمد جاری افراد است. چنانچه مالیات بر درآمد را با حرف T، درآمد جاری سالانه را با حرف Y و

مخارج مصرفی را با حرف C نشان دهیم، می‌توان تابع مالیات بر درآمد اقتصاد اسلامی را به صورت زیر نمایش داد.

$$T = 0/2(Y - C) \quad (2)$$

از این رابطه مشاهده می‌شود که در اقتصاد اسلامی تعیین میزان مالیات بر درآمد بستگی به مخارج مصرفی دارد، در حالی که در نظام‌های دیگر، برعکس، مخارج مصرفی بستگی به مالیات مورد نظر خواهند داشت (صمیمی، 1381).

علاوه بر این، باید توجه داشت که در سایر نظام‌های مالیاتی، مالیات بر درآمد اغلب به شکل تصاعدی و بر مبنای درآمد جاری تعیین می‌شود، به‌عنوان مثال اگر درآمد جاری فردی به اندازه 20 درصد و سطح عمومی قیمت‌ها معادل 30 درصد افزایش یابد درآمد واقعی فرد کاهش خواهد یافت؛ در نتیجه به دلیل مبنای مالیاتی، میزان مالیات جمع‌آوری شده از این فرد به شدت افزایش می‌یابد، در حالی که در اقتصاد اسلامی با توجه به اینکه مبنای مالیات درآمد پس از کسر هزینه‌های مصرفی ضروری است اگر مخارج ضروری فرد به علت شرایط اقتصادی (مانند تورم) افزایش یابد هنگامی باید مالیات بیشتری پرداخت کند که درآمد جاری وی پس از کسر شدن هزینه‌های مصرفی افزایش یابد. بنابراین مبنای درآمد خالص به‌عنوان مبنای محاسبه مالیات بر درآمد در اقتصاد اسلامی باعث می‌شود که در این نظام مالیاتی مالیات بر درآمد همواره عدالت مالیاتی را رعایت و نقش تثبیت‌کنندگی خودکار را به صورت واقعی در تمام وضعیت‌های اقتصادی ایفا کند.

3. انواع مالیات‌های اسلامی

مالیات در اسلام انواع مختلفی دارد یک نوع مالیات در دین اسلام مالیات اولی (ثابت و مستقل) است که نسبت، مقدار، وضع یا مجموع آن مشخص شده مانند خمس، زکات و ... از مهم‌ترین ویژگی آنها این است که حتی موارد مصرف دقیق هر کدام از آنها از طرف شارع مقدس اسلام تعیین شده است و نمی‌توان کلمه‌ای به آن اضافه یا کم نمود؛ اما از آنجا که مخارج دولت بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر از این است، اقتضا می‌کند تا منابع تأمین درآمد جدیدی تحت‌عنوان مالیات وضع گردد که همان مالیات‌های ثانوی (متغیر و مستحدثه) است که در طول زمان و با پیشرفت اجتماع و پیچیده‌شدن شئون زندگی در دولت اسلامی (به‌عنوان یکی از مسائل نوظهور و مستحدثه) ملزم به تعیین و تصویب آن می‌گردد (ابراهیمی، 1387). مانند تأمین بودجه رفاهی، عمرانی و دیگر نیازهایی که دولت برای آنها باید تأمین بودجه کند و تصویب این قوانین مالیاتی جدید به گونه‌ای نیست که نفی قوانین

مالیات‌های اسلامی و جایگاه آن در تأمین منابع مالی 95

مالیات‌های ثابت را در برداشته باشد و بر اساس شرایط زمانی و نیازهای دولت اسلامی و جامعه تنظیم می‌گردد که از دیدگاه فقهی از لوازم حکومت اسلامی و جامعه اسلامی است و از عناوین اولیه فقهی محسوب می‌شود.

4. مقایسه مالیات‌های اسلامی با مالیات‌های متعارف

4-1. انواع مالیات از نظر میزان و نرخ مالیات

- مالیات مقطوع؛ مانند زکات فطره که هر شخص واجد شرایط باید بپردازد. همچنین بعضی از موارد جزیه و خراج از مالیات‌های مقطوع محسوب می‌شوند.
- مالیات تناسبی؛ یعنی مالیات‌هایی که براساس نسبت معینی باید پرداخت شوند و کم یا زیاد شدن متعلق مالیات در کاهش یا افزایش نرخ اثری ندارد، مانند خمس.
- مالیات تصاعدی؛ هیچ‌یک از مالیات‌های ثابت اسلامی به‌شکل تصاعدی وضع نشده است.
- مالیات تنازلی؛ یعنی مالیات با درآمد رابطه عکس دارد. این نوع از مالیات فقط در زکات حیوانات در برخی نصاب‌ها متصور است.

4-2. انواع مالیات از جهت مبنای مالیاتی

- مالیات بر درآمد؛ مانند زکات گندم، جو، خرما و کشمش.
- مالیات بر ثروت (دارایی)؛ مانند زکات طلا و نقره.
- مالیات بر پس‌انداز؛ مانند خمس.
- مالیات بر استفاده از منابع طبیعی؛ مانند خمس معادن و زکات شتر و گاو و گوسفند.
- مالیات سرانه؛ مانند زکات فطره.
- مالیات بر مصرف؛ در صورتی که فرد کالایی را مصرف کند که خارج از نیازهای واقعی وی باشد باید خمس آن کالا را بپردازد (کفشگر، بی‌تا).

5. معرفی انواع مالیات‌های اسلامی و مبنای آنها

منابع مالی دولت اسلامی شامل خمس، زکات، انفال، فی، جزیه، خراج، مالیات‌های حکومتی و سایر درآمدهاست؛ مهم‌ترین و ملموس‌ترین آنها خمس و زکات است که در واقع مشابه مالیات‌های ثابت با نرخ معین هستند. هرچند باید گفت در یک قیاس مقتصدانه، خراج و جزیه نیز شبیه درآمد ناشی از مالکیت دولتی در جداول حسابداری ملی است و درآمد ناشی از انفال و فی نیز مشابه درآمدهای ناشی از واگذاری حق بهره‌برداری از معادن و یا درآمدهای ناشی از انحصارات و مالکیت دولتی می‌باشد. در

ادامه علاوه بر توضیح مبانی و ویژگی‌های هر کدام از آنها بر 2 مورد خمس و زکات که از عمده‌ترین مالیات‌های اولیه است تمرکز بیشتری می‌شود.

5-1. جزیه

مالیات سرانه‌ای است که از اهل کتاب ساکن سرزمین‌های اسلامی و از کفاری که در پناه و ذمه دولت اسلامی زندگی می‌کنند، اخذ می‌شود. دولت اسلامی در برابر حفظ جان و مال این شهروندان مالیاتی را تحت‌عنوان جزیه از ایشان مطالبه می‌نماید. جزیه توسط آیه "29" سوره توبه وضع گردیده است. جزیه می‌تواند به صورت مالیات سرانه وضع شود و از هر نفر از اهل ذمه، سالانه مبلغی دریافت شود و نیز می‌تواند به صورت مالیات بر اراضی تحت تصرف آنان وضع گردد. در هر صورت مقدار جزیه بستگی به حاکم دولت اسلامی دارد.

5-2. خراج

خراج از مهم‌ترین منابع دولت اسلامی در طول تاریخ بوده است که با فتح زمین‌های غیر مسلمانان و الحاق آنها به سرزمین‌های اسلامی، ملکیت آنها دچار تغییر شد. این زمین‌ها چند قسم بودند:

- اراضی طلوع؛ زمین‌هایی که اهالی آن با رغبت اسلام آوردند و زمین‌ها در دست خودشان باقی ماند.
- اراضی مفتوح العنوه؛ زمین‌هایی که با پیروزی در جنگ به دست مسلمانان افتاد.
- اراضی صلح؛ زمین‌هایی که ساکنان آن بدون جنگ حاضر به صلح شدند.

خراج گاه به صورت جزء معینی از محصول مثل ربع یا ثلث است که امام وقت مقدار آن را تعیین می‌کند و بر متصرفین واجب است که به حکومت اسلامی پرداخت کنند (کفشگر، بی‌تا).

5-3. انفال

زمین‌هایی که اهالی آن، بدون جنگ آنها را رها کرده، به دست دولت اسلامی سپرده یا اهالی آن منقرض شده‌اند یا خود را تسلیم حکومت اسلامی کرده‌اند.

زمین‌های موات محض، نیزارها، سرکوه‌ها، شکم دره‌ها، درختان، معادن و ... همه جزو انفال محسوب می‌شود و اختیار آن به دست حاکم اسلامی است و قابل خرید و فروش نمی‌باشد.

4-5. فی

در اصطلاح فقه و طبق آیات و روایات، فی مالی است که نه تنها با جنگ بلکه با مسالمت از کفار به دولت اسلامی واگذار شده خواه منقول باشد یا غیر منقول. چنین مالی بخشی از غنیمت به‌شمار می‌آید با این تفاوت که در غنیمت $\frac{1}{5}$ به‌عنوان خمس در اختیار حاکم اسلامی و مابقی برای سربازان است، اما در فی همه آن حکم خمس دارد و از آنجایی که در به‌دست آوردن آن نیروی جنگی به کار نرفته، مصرفی به‌عنوان سهم رزمنده ندارد.

5-5. زکات

در کلام عرب از ماده "زک" و "گرفته شده و 2 معنا برای آن ذکر شده است: رشد و نمو و طهارت (پاکی). زکات یکی از مهم‌ترین دستورات دین اسلام است که در بسیاری از موارد همراه با نماز ذکر شده است. بر پایه آیات قرآن و احادیث، زکات مالی است که به‌منظور پاکی و وارستگی اموال افراد از حقوق نیازمندان و تأمین مالی مستمندان وضع گردیده و سبب افزایش روزی و وفور اموال و امنیت اقتصادی در جامعه است. زکات بر 2 نوع است:

- زکات فطره؛ کسی که موقع غروب آفتاب شب عید فطر بالغ و عاقل و هوشیار است و فقیر و بنده کس دیگری نیست باید برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند، هر نفری یک صاع گندم که تقریباً 3 کیلو است، گندم، جو، کشمش، برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق به‌عنوان زکات بدهد.
- زکات اموال؛ مقصود از زکات اموال، زکاتی است که سالانه به برخی از اموال تعلق می‌گیرد.
زکات با نزول آیه "103" سوره توبه¹ بر مسلمانان واجب شده و آنگاه پیامبر اکرم (ص) اموال مورد تعلق زکات را 9 چیز و در 3 قسمت برشمردند که عبارتند از:

- ثروت‌های حیوانی خاص شامل دام‌های سه‌گانه (گاو، گوسفند، شتر) که از منابع مهم تغذیه بوده و از آن استفاده می‌شود.
- محصولات غذایی یا غلات چهارگانه شامل گندم، جو، خرما و کشمش
- نقدین یا طلا و نقره که پول رایج بوده و در پرداخت‌های مبادلاتی از آن استفاده می‌شود.

¹. تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت کن که بدان صدقات نفوس آنها را پاکیزه می‌سازی و برکت می‌دهی و ... (توبه، آیه 103).

5-5-1. تأثیر زکات بر کارایی بنگاه

برای اثبات اینکه زکات بر کارایی بنگاه چه اثری دارد یعنی بر مقدار تولید بهینه اثر منفی ندارد، از طریق مدل اقتصادی یک بنگاه فرضی را در یک بازار رقابت کامل در نظر می‌گیریم و زکاتی معادل $0/1$ سود بر آن وضع می‌کنیم. با توجه به شرط حداکثر سود در بازار رقابت کامل که از برابری قیمت با هزینه نهایی به دست می‌آید و تولید بهینه را معلوم می‌کند متوجه می‌شویم که تولید بهینه ثابت مانده و تغییر نخواهد کرد. به بیان ریاضی و با علائم زیر خواهیم داشت (خلیلی خواه و خزائی، 1387):

A: هزینه پس از وضع زکات، B: هزینه پیش از وضع زکات، P: قیمت کالا، Q: مقدار کالا،

TC: هزینه کل، $TR=P*Q$: درآمد کل، Z: زکات، δ : علامت مشتق است.

$Z=0.1\pi$ در روابط زیر مبلغ زکات معادل $0/1$ سود π در نظر گرفته شده است.

هزینه کل پس از وضع زکات = هزینه پیش از وضع زکات + مقدار زکات

می‌دانیم سود معادل درآمد کل - هزینه کل است.

عدد $0/1$ را در پرانتز ضرب می‌کنیم.

$$TC^A = TC^B + 0.1\pi \quad (3)$$

$$TC^A = TC^B + 0.1(TR^B - TC^B) \quad (4)$$

$$TC^A = TC^B + 0.1(PQ - TC^B) \quad (5)$$

$$TC^A = TC^B + 0.1PQ - 0.1TC^B \quad (6)$$

$$TC^A = 0.9TC^B + 0.1PQ \quad (7)$$

برای نشان دادن شرط حداکثر سود در بازار رقابت کامل باید $P=MC$ باشد و برای به دست آوردن

MC باید از TC مشتق بگیریم چون هزینه نهایی در واقع تغییرات هزینه کل را نشان می‌دهد.

$$\frac{TC^A}{Q} = \frac{0.9TC^B}{Q} + \frac{0.1PQ}{Q} \quad (8)$$

$$MC^A = 0.9MC^B + 0.1P \quad (9)$$

$$MC^A = 0.9MC^B + 0.1MC^B \quad (10)$$

$$MC^A = MC^B \quad (11)$$

ملاحظه می‌شود که با اعمال شرط رقابت کامل در معادله (11) هزینه نهایی پس از وضع زکات تغییری نیافته در نتیجه تولید بهینه تغییری نمی‌کند و کارایی پس از وضع زکات حفظ می‌شود.

5-5-2. تأثیر زکات بر درآمد کل جامعه

در این بخش تغییرات حاصله در درآمد کل جامعه ناشی از وضع زکات مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این کار افراد جامعه به 2 گروه تقسیم می‌گردند، گروهی که طبق قوانین مالیاتی اسلام ملزم به پرداخت زکات هستند و گروهی که مستحق دریافت زکاتند.

Z: مقدار زکات پرداختی، B: شرایط پیش از پرداخت زکات، A: شرایط پس از پرداخت زکات، X: نسبت توزیع زکات. (اگر $x=1$ باشد کل زکات توزیع می‌شود و اگر $x=0$ باشد زکات اصلاً توزیع نمی‌شود).

C1: مصرف دریافت‌کننده زکات مصرف کل جامعه

$$C = C_1 + C_2 \quad (12)$$

C2: مصرف پرداخت‌کننده زکات، Y2: درآمد پرداخت‌کننده زکات

$$Y = Y_1 + Y_2 \quad (13)$$

Y1: درآمد دریافت‌کننده زکات

مقدار زکات پرداختی را از رابطه درآمد پرداخت‌کننده پس از وضع زکات منهای درآمد آنها پیش از وضع زکات به دست می‌آوریم.

$$dY_2 = Y_{2A} - Y_{2B} = -Z \quad (14)$$

مقدار زکاتی که تودیع می‌شود بستگی به سیاست دولت اسلامی دارد.

$$dY_1 = Y_{1A} - Y_{1B} = XZ \quad (15)$$

تغییرات کل درآمد جامعه برابر است با تغییرات درآمد مصرف‌کنندگان زکات به علاوه تغییرات درآمد پرداخت‌کنندگان زکات.

$$dY = dY_1 + dY_2 \quad (16)$$

اگر رابطه (14) و (15) را در (16) جایگزین نماییم، می‌توانیم تغییرات حاصل در درآمد کل جامعه پس از اخذ زکات را به دست آوریم. بنابراین تغییرات کل درآمد جامعه dy بستگی به نسبت توزیع زکات x دارد. اگر زکات کاملاً توزیع شود $X=1$ تغییرات درآمد کل جامعه صفر می‌شود و اگر اصلاً توزیع نگردد $X=0$ درآمد کل جامعه به اندازه زکات پرداختی کاهش می‌یابد.

5-3-5. تأثیر زکات بر مصرف کل جامعه

حال با استفاده از تغییرات ناشی از زکات بر درآمد کل جامعه تغییرات مصرف کل جامعه مورد بحث قرار می‌گیرد. تابع مصرف مفروض کینزی است و نشان می‌دهد تغییرات حاصل شده در مصرف کل جامعه به مقادیر (خلیلی خواه، 1387):

$$MPC_2 = MPC_1 - X \quad (17)$$

بستگی دارد، یعنی این 3 عامل تعیین می‌کند که مصرف کل جامعه با وضع زکات زیاد یا کم می‌شود یا تغییری نمی‌کند.

C1: مصرف دریافت‌کننده، C2: مصرف پرداخت‌کننده زکات
مصرف هر دو گروه تابعی است از درآمد قابل تصرف آنها:

$$C_1 = F_1(Y_1) \text{ و } C_2 = F_2(Y_2) \quad (18)$$

عبارت (18) را در (12) جایگزین می‌کنیم.

$$C = F_1(Y_1) + F_2(Y_2) \quad (19)$$

از رابطه (19) دیفرانسیل می‌گیریم:

$$dC = \frac{\partial F_1}{\partial Y_1} * dY_1 + \frac{\partial F_2}{\partial Y_2} * dY_2 \quad (20)$$

چون $\frac{\partial F_1}{\partial(Y_1)}$ در واقع تغییرات روی مصرف را نشان می‌دهد، می‌توانیم بنویسیم MPC1 برای $\frac{\partial F_2}{\partial(Y_2)}$ نیز به همین صورت:

$$\left. \begin{aligned} \frac{\partial f_1}{\partial(Y_1)} = MPC_1 & \text{ میل نهایی به مصرف دریافت کننده زکات} \\ \frac{\partial f_2}{\partial Y_2} = MPC_2 & \text{ میل نهایی به مصرف پرداخت کننده زکات} \end{aligned} \right\}$$

$$C = MPC_1 * dY_1 + MPC_2 * dY_2 \quad (21)$$

از سویی می‌دانیم تغییرات (افزایش) درآمد دریافت کننده زکات معادل نسبت زکات است. و تغییرات (کاهش) درآمد پرداخت کننده زکات معادل نسبت زکات پرداختی است. پس با جایگذاری Z- جای dY_2 در رابطه (21) می‌توانیم بنویسیم:

$$Z = adY_1 \quad (22)$$

$$dC = MPC_1 * aZ + MPC_2 * -Z \quad (23)$$

$$dC = Z(aMPC_1 - MPC_2) \quad (24)$$

از Z فاکتور می‌گیریم، رابطه dc تغییرات حاصل در مصرف کل جامعه را پس از اخذ زکات نشان می‌دهد: اگر $aMPC_1 - MPC_2 = 0$ باشد یعنی $dC=0$ بنابراین دریافت و پرداخت زکات اثری بر مصرف جامعه ندارد. اگر $aMPC_1 - MPC_2 < 0$ باشد یعنی $dC < 0$ بنابراین دریافت و پرداخت زکات میزان مصرف در جامعه را کاهش می‌دهد. اگر $aMPC_1 - MPC_2 > 0$ باشد یعنی $dC > 0$ ، بنابراین دریافت و پرداخت زکات میزان مصرف در جامعه را افزایش می‌دهد.

پس برای اینکه زکات اثر مثبت بر مصرف جامعه داشته باشد باید مقادیر a ، MPC_1 ، MPC_2 در جامعه درست ارزیابی شود تا بتواند مصرف جامعه را کنترل نماید.

در لغت به معنای $\frac{1}{5}$ و در اصطلاح شرعی، مالیاتی معادل $\frac{1}{5}$ است که شریعت آن را در مواردی تعیین کرده است. با ملاحظه خصوصیات چون لزوم پرداخت و نرخ ثابت و پرداخت سالانه می‌توان خمس را از جمله مالیات‌های ثابت دانست که بخش مهمی از هزینه‌های حکومت اسلامی از طریق آن تأمین می‌شود. وجوب اصل خمس، از ضروریات اسلام است و در قرآن در آیه "41" سوره انفال¹ به آن تصریح شده است. خمس به 7 مورد تعلق می‌گیرد که عبارتند از:

- منفعت کسب (ارباح مکاسب) که شرایط تعلق خمس ارباح مکاسب به این صورت است:
- درآمد مشمول خمس باید به شکل خالص مورد اندازه‌گیری قرار گیرد.
- بین درآمد سرمایه و درآمد ناشی از کار تفاوتی نیست.
- خمس به درآمد واقعی تعلق می‌گیرد نه اسمی.
- خمس به درآمد تحقق یافته تعلق می‌گیرد نه درآمد تحقق نیافته.
- معدن در صورتی که مواد استخراجی ارزشی بیش از 20 دینار داشته باشد.
- مال حلال مخلوط به حرام در صورتی که صاحب آن معلوم نباشد.
- جواهری که به وسیله غواصی در دریا به دست می‌آید و ارزش بیش از یک دینار داشته باشد.
- غنیمت جنگی
- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.
- گنج (مال مخفی در زمین در صورتی که صاحب آن معلوم نباشد اگر ارزشی بیش از 20 دینار یا 200 درهم داشته باشد باید خمس آن پرداخت شود.

$\frac{1}{5}$ این موارد، متعلق به بیت‌المال است و باید صاحب مال، آن را از خود جدا کرده و به قصد قربت تحویل بیت‌المال دهد. خمس در قرآن به 6 سهم و به 6 مورد اختصاص داده شده است: سهمی برای خدا، سهمی برای رسول خدا (ص) و سهمی دیگر برای ذی‌القربی که مقصود امام معصوم از اهل بیت پیامبر (ص) است و 3 سهم برای یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان اختصاص دارد. تفاوت خمس و زکات در این است که خمس نیازمندان بنی‌هاشم (که صدقه به آنها حرام است) را شامل می‌شود و زکات مشمول نیازمندان غیر بنی‌هاشم می‌شود، اما اختیار هر دو به دست حاکم اسلامی است.

1. و ای مؤمنان بدانید که هرچه غنیمت و فایده برید خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفرماندگان است و... (انفال، آیه 41).

5-6-1. محاسبه خمس در ایران

با در اختیار داشتن و محاسبه متغیرهای عمده یعنی تولید ناخالص ملی، استهلاک سرمایه ثابت بخش خصوصی، درآمدهای دولت و هزینه مصرفی بخش خصوصی می‌توان پایه خمس را برای هر سال محاسبه کرد و با محاسبه پایه خمس و ضرب آن در نرخ نهایی خمس $\frac{1}{5}$ مقدار خمس کشور در هر سال را به دست می‌آورد. نماد ریاضی روابط بالا به صورت زیر است (خلیلی خواه، 1387).

BK: پایه خمس، K: خمس، Yd: درآمد قابل تصرف بخش خصوصی و خانواده‌ها، GNP: تولید ناخالص ملی به قیمت بازار، IPK: سود احتسابی، FRE: اجاره احتسابی، GR: مجموع سایر درآمدهای خانوار، C: هزینه مصارف خمس بخش خصوصی که شامل (C هزینه‌های مصرفی خانوار و S هزینه استهلاک بخش خصوصی می‌شود)، K: رقم خمس لازم‌الاجرا است.

$$Yd = IPK + FRE + GR \quad (25)$$

$$C = c + s \quad (26)$$

$$K = 0.2(BK) \quad (27)$$

$$BK = Yd - c \quad (28)$$

5-6-2. تأثیر خمس بر تثبیت اوضاع اقتصادی

ویژگی سهم خمس به عنوان یک ابزار مالیاتی، نسبی بودن آن است. این ویژگی باعث تثبیت اقتصادی می‌شود.

امتیاز دیگر خمس آن است که اخذ آن انگیزه افزایش تولید را برای عرضه‌کنندگان کاهش نمی‌دهد چون خمس از سود خالص تولیدکنندگان یا ارزش افزوده فعالیت‌های ایشان گرفته می‌شود.

یک مدل ساده کینزی (3 بخشی) را در نظر می‌گیریم:

C: مصرف

T: مالیات (خمس)، G: مخارج دولت، Yd: درآمد قابل تصرف، A: مصرف مستقل،

I: سرمایه‌گذاری، Y: درآمد ملی.

یعنی درآمد ملی برابر است با

$$Y = C + I + G \quad (29)$$

داریم که مصرف کل معادل جمع مصرف مستقل a و میل نهایی به مصرف b ضرب در درآمد قابل تصرف Y_d است.

$$C = a + by_d \quad (30)$$

$$y_d = Y - T \quad (31)$$

درآمد قابل تصرف اشخاص درآمد آنها پس از کسر مالیات‌هاست.

می‌دانیم که خمس $\frac{1}{5}$ درآمد اشخاص پس از کسر هزینه است. با جایگذاری روابط (32) و (31) و (30) در رابطه (29) خواهیم داشت:

$$T = 0.2(Y - C) \quad (32)$$

$$Y = a + b[y - 0.2(y - c)] + I + G \quad (33)$$

$$Y - C = I + G \quad (34)$$

از سویی براساس رابطه (29) می‌توان نوشت:

رابطه (34) را در (33) جایگزین می‌کنیم:

$$Y = a + b[y - 0.2(I + G)] + (I + G) \quad (35)$$

پس درآمد ملی تعادل معادله زیر می‌شود:

$$Y = \frac{a - (1 - \frac{b}{5})(I + G)}{(1 - b)} \quad (36)$$

برای تعیین ثبات سیستم اقتصادی $\frac{\partial Y}{\partial I}$ و $\frac{\partial Y}{\partial G}$ را می‌سنجیم.

در واقع تغییرات حاصل شده در درآمد ملی را به هنگام تغییر سرمایه‌گذاری و مخارج دولت

اندازه می‌گیریم. اگر خمس در اقتصاد وجود نداشت عبارت $\frac{\partial Y}{\partial I}$ و $\frac{\partial Y}{\partial G}$ به اندازه $\frac{1}{1-b}$

می‌باشد. از مقایسه 2 کسر $\frac{1-0.2b}{1-b}$ و $\frac{-1}{1-b}$ مشخص می‌گردد که خمس باعث ایجاد تثبیت اقتصادی

گردیده چون b (میل نهایی به مصرف) همواره بین صفر و یک است و صورت کسر در نتیجه کل کسر در هنگام وضع خمس کوچکتر می‌شود.

5-6-3. اثر وضع خمس بر مصرف کل جامعه

مطابق روابطی که در بخش پیشین گفته شد می‌توان درآمد کل را اینگونه محاسبه نمود:

اگر رابطه 34 را در 33 جایگزین کنیم، داریم:

$$y = a + by - 0.2by + 0.2bc + y - c \quad (37)$$

$$y - by + 0.2by - y = a + .02bc - c \quad (38)$$

$$0.2by - by = a + c(0.2b - 1) \quad (39)$$

$$y(0.2b - b) = a + c(0.2b - 1) \quad (40)$$

$$y = \frac{a + c(0.2b - 1)}{-0.8b} \quad (41)$$

می‌دانیم که میل نهایی به مصرف در نظام کینزی (قبل از وضع خمس) برابر است با:

$$\frac{\partial y}{\partial c} = \frac{0.2b - 1}{-0.8} \quad (42)$$

$$\frac{\partial y}{\partial c} = \frac{1}{1-b} \quad (43)$$

بنابراین از روابط بالا می‌توان نتایج زیر را استنباط کرد:

- با وضع خمس صورت کسر کوچکتر از قبل از خمس خواهد بود یعنی میل نهایی به مصرف کمتر می‌شود.

- در خصوص کل اثر مصرف پس از وضع خمس بستگی به میل نهایی به مصرف در جامعه دارد، از آنجا که MPC همواره بین صفر و یک است در جوامع فقیر که به‌طور عمده MPC به یک نزدیک می‌شود وضع خمس باعث تعدیل در مصرف می‌گردد و از مصرف کاسته می‌شود و به پس‌انداز می‌افزاید، حال آنکه در جوامع غنی‌تر که از MPC کمتر و MPS بیشتر برخوردارند با وضع خمس میزان مصرف در جامعه بیشتر خواهد گردید که این خود عاملی برای رسیدن به تثبیت اقتصادی است.

5-6-4. تأثیر خمس بر کارایی بنگاه اقتصادی

یک بنگاه فرضی در بازار رقابت کامل را در نظر می‌گیریم. می‌خواهیم نشان دهیم خمس کارایی بنگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر.

پیش از ورود به بحث علایم زیر را معرفی می‌کنیم.

P: قیمت، Q: مقدار، $TR=P*Q$: درآمد کل، TC: هزینه‌های تولیدی بنگاه قبل از وضع خمس،

AK: مالیات پس از وضع خمس، BK: مالیات پیش از وضع خمس

$$\pi = TR - TC \longrightarrow \text{هزینه کل} - \text{درآمد کل} = \text{سود کل}$$

T=K: مالیات وضع شده T برابر با خمس K

$$k = 1/5\pi BK \text{ خمس برابر با } \frac{1}{5} \text{ سود پیش از وضع خمس بنگاه}$$

هزینه کل پس از وضع خمس برابر است با کل هزینه پیش از وضع خمس به‌علاوه مقدار خمس

$$TC^{AK} = TC^{BK} + K \quad (44)$$

به جای K مقدارش را در عبارت می‌گذاریم:

$$TC^{AK} = TC^{BK} + 1/5(PQ - TC)^{BK} \quad (45)$$

همانطور که گفته شد خمس برابر است با $\frac{1}{5}$ سود پیش از وضع خمس بنگاه. درآمد از ضرب مقدار در تولید کالا به دست می‌آید و هزینه کل برابر TC است. برای نشان دادن شرط حداکثر کارایی باید MC را به دست آوریم و برای MC باید از TC مشتق بگیریم. چون هزینه نهایی در واقع تغییرات هزینه کل را نشان می‌دهد.

$$\frac{\partial TC^{AK}}{\partial q} = \frac{\partial TC^{BK}}{\partial q} + \frac{1}{5} \left(\frac{\partial Pq}{\partial q} - \frac{\partial TC}{\partial q} \right)^{BK} \quad (46)$$

مقادیر عبارت زیر را بازنویسی می‌کنیم:

$$MC^{AK} = MC^{BK} + \frac{1}{5}(P - MC)^{BK} \quad (47)$$

چون شرط حداکثر سود بازار رقابت کامل $MC=P$ است پس داریم

$$MC^{AK} = MC^{BK} \quad (48)$$

همانند وضعیت زکات، چون هزینه نهایی پیش از وضع خمس نیز تغییر نکرده است پس مقدار بهینه تولید تغییری نکرده و کارایی بنگاه ثابت باقی می‌ماند.

6. آیا مالیات‌های اسلامی می‌توانند کاملاً جایگزین مالیات‌های متعارف شوند؟

اداره دستگاه اجرایی دولت و حکومت اسلامی ابعاد مختلفی دارد که تقویت هر یک از این موارد زمینه اعتلا و عزت دولت و حکومت اسلامی را فراهم می‌کند. بی‌تردید مالیات‌های اسلامی به‌عنوان عملی مقدس و تطهیرکننده اموال و روح انسان، رونق اقتصادی جامعه را نیز در پی دارد و مالیات هرگز نمی‌تواند جایگزین آن شود. از سویی حکومت اسلامی نیز همچون سایر حکومت‌ها جهت تأمین منابع مالی خود به‌منظور انجام وظایف محوله نیاز به کسب درآمد دارد، مانند تأمین بهداشت و امنیت عمومی و از زیرساخت‌های عمرانی کشور که از مالیات‌های اسلامی که پیش‌تر مورد مصرف آنها بیان شد نمی‌توان استفاده کرد.

در واقع باید گفت مالیات‌های اسلامی را خداوند متعال به‌منظور زدودن فقر از جامعه و برقراری عدالت اجتماعی وضع نموده‌اند، به‌گونه‌ای که در روایات وارد شده است اگر همه مردم خمس و زکات خویش را پرداخت نمایند دیگر هیچ فقیری نخواهد ماند. بنابراین بین مالیات‌های اسلامی که در رأس همه آنها خمس و زکات می‌باشد با مالیات‌های متغیری که توسط حکومت اخذ می‌شود چند تفاوت اساسی وجود دارد که در نتیجه اداره جامعه از طریق مالیات‌های اسلامی را امکان‌پذیر

نمی‌کند و نیاز به منبع دیگری مانند مالیات را آشکارتر می‌کند: نخست اینکه مالیات‌های اسلامی توسط مراجع معظم تقلید به مصرف می‌رسد و دست دولت نیست تا دولت از حاصل آنها به اداره جامعه بپردازد. دوم؛ مالیات‌های اسلامی مصارف خاصی دارند که عمده آنها رسیدگی به فقرا و محرومین جامعه می‌باشد، در حالی که در جامعه اسلامی و هر جامعه‌ای علاوه بر رسیدگی به فقرا و محرومین هزینه‌های فراوان دیگری نیز وجود دارد که برای آنها از خمس و زکات نمی‌توان استفاده کرد و خمس و زکات در واقع موضوعی شرعی است که بنا بر دیدگاه شرع واجب شده و در نتیجه خود شرع هم محل مصرف آن را معین می‌نماید. بنابراین چون بدون لحاظ شرع خمس و زکاتی وجود نخواهد داشت، بدون در نظر گرفتن نظر شرع در مورد محل مصرف آن هم تکلیف خمس از گردن مکلفین برداشته نخواهد شد. خمس و زکات را می‌توان فقط در راهی که شرع معین نموده مصرف کرد که بسیاری از هزینه‌هایی که برای دولت به وجود می‌آید خارج از این موارد می‌باشد.

سومین تفاوت این است که حتی اگر امکان خرج کردن خمس و زکات در اداره جامعه وجود داشت مقدار آن با توجه به هزینه‌های فراوان اداره جامعه که در حال حاضر به رقم چند میلیارد دلار بالغ می‌شود کفایت نمی‌کرد و در نتیجه باز هم نیاز به راهی جدید برای اداره جامعه بود که یکی از راه‌های آن وضع مالیات می‌باشد. چهارم اینکه پرداخت خمس و زکات جزء تکالیف شرعی است و باید با رضایت خاطر همراه باشد (میزان الحکمه، حدیث 7787)، به این دلیل نمی‌توان فردی را به‌خاطر عدم پرداخت خمس و زکات مورد مؤاخذه قرار داد در حالی که برای تأمین مالی هزینه‌های دولت مالیات به‌صورت اجباری بر فرد تحمیل می‌گردد و در صورت فرار مالیاتی فرد مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد، البته در صورت فراگیر شدن فرهنگ پرداخت مالیاتی این مسئله نیز همچون خمس و زکات باید با طیب خاطر پرداخت‌کنندگان انجام شود، اما در حال حاضر با توجه به عدم امکان اجبار پرداخت‌کنندگان خمس و زکات و در نتیجه عدم وصول بسیاری از بدهکاری‌های خمس و زکات مردم، حتی اگر اجازه اداره جامعه با این خمس و زکات بود باز هم با توجه به هزینه‌های فراوان اداره جامعه و لزوم مشخص بودن بودجه دولت برای برنامه‌ریزی سالانه خود امکان هرگونه برنامه‌ریزی و پیش‌بینی در آمد و هزینه منتفی می‌شد.

با توجه به این محدودیت‌ها که درباره مالیات‌های اسلامی به‌ویژه خمس و زکات وجود دارد دولت نمی‌تواند برای اداره جامعه به آن متکی باشد و نیازمند منابع مالی جداگانه‌ای غیر از این منابع است که به‌نام منابع متغیر از آنها یاد می‌شود و همانگونه که در بالا گفته شد توسط شارع مقدس مورد پیش‌بینی قرار گرفته و اصل این مسئله نیز توسط فقها مورد قبول قرار گرفته است و فقط در برخی جزئیات آن یا مواردی که با نظر شرع مغایرت‌هایی وجود داشته باشد بحث می‌شود.

7. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در اقتصاد اسلامی مالیات به‌وسیله دولت‌ها تبیین و به مرحله اجرا گذاشت شده است که امتیاز این مالیات‌ها به‌صورت کلی در یک نظام مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی، پایین بودن هزینه وصول و پرداخت داوطلبانه آن است که بنا به اعتقادات شهروندان که پرداخت مالیات را به‌صورت کلی وظیفه شرعی و اعتقادی خود تلقی می‌کنند فرار و انتقال مالیاتی در این سیستم به حداقل می‌رسد. همچنین شفافیت و صداقت در رفتارهای اقتصادی و عملکرد مالی فعالان اقتصادی نیز فاکتور مهم دیگری است که نظام اقتصاد اسلامی را از سایر نظام‌ها متمایز می‌کند. سادگی و عدم پیچیدگی این نوع مالیات سبب می‌شود همه مردم از درک مفاهیم و مقررات و قوانین مربوط به شکلی مناسب برخوردار باشند و در نهایت در یک نظام مالیاتی بر پایه فقه و اصول و شریعت مترقی همه مردم برابرند و از تبعیض و نارضایتی اثری دیده نمی‌شود. این نوع نظام جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد اسلامی دارد. اما این پرسش مطرح می‌شود که آیا این امکان وجود دارد در چارچوب یک دولت اسلامی بتوان مالیات‌های مخصوص مانند زکات، خمس، خراج، جزیه و امثال آن را در سایر منابع مالی دولت ادغام کرد. در پاسخ می‌توان گفت: باید توجه داشت به هیچ‌عنوان اجرای یک سیستم مالیاتی بدون همکاری خود مردم امکان‌پذیر نخواهد بود و انتخاب و اجرای یک سیستم مالیاتی مناسب می‌تواند در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه مؤثر باشد. همچنین توجه به احکام اسلامی و رموز و ریزه‌کاری آنها و سعی در استخراج قوانین اقتصادی با توجه به شرایط کنونی اقتصاد، می‌تواند نتایج قابل توجهی را در زمینه انتخاب راه‌های متفاوتی که برای اجرای یک عمل وجود دارد، ارائه کند. بنابراین، پیشنهاد مقاله این است که سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور در جهت سازمان‌دهی مالیات‌های اسلامی به‌ویژه خمس به‌دلیل تشابه آن با مالیات بردرآمد بکوشند تا اهدافی مثل عبادی بودن زکات و خمس، پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری‌کننده خمس (مرجعیت)، خوداظهاری بودن زکات و خمس و عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به‌عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی تأمین شود.

منابع

- قرآن کریم و نهج البلاغه ترجمه استاد دشتی.
آیت‌الله فاضل لنکرانی، "توضیح المسائل".
آیت‌الله حسین نوری همدانی، "توضیح المسائل".
ابراهیمی کرهرودی، احمد (1387)، "مبانی و ویژگی‌های مالیات‌های اسلامی و تأثیر آن بر فعالیت‌های اقتصادی"، کتاب مجموعه مقالات دومین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ص 389.
احمدی، علی محمد و رضا، وفایی‌یگانه (1391)، "بررسی میزان مالیات‌های اسلامی در سید هزینه‌ای خانوارها و میزان اثرپذیری آن از رشد اقتصادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی"، پژوهشنامه مالیات، زمستان، شماره 16، مسلسل 64.
ترجمی، فرهاد (1386)، "کنکاشی در مالیات‌های ثابت (خمس و زکات) با نگرش ریاضیات و اقتصاد متعارف".
تهرانی، علی (1355)، مالیات‌های اسلامی، مشهد: کانون نشر کتاب، آذر.
جعفری صمیمی، احمد (1381)، اقتصاد بخش عمومی، شماره 1، تهران: انتشارات سمت.
حسینی دشتی، سیدمصطفی، معارف و معاریف دایره‌المعارف جامع اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی.
خلیلی خواه، امیر و زینب خزائی (1387)، "ویژگی‌های مالیات‌های اسلامی، راهبردی برای نظام مالیاتی کشور"، کتاب مجموعه مقالات دومین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ص 421.
دری نجف‌آبادی، قربانعلی، مقدمه‌ای بر مالیه عمومی، گزیده‌ای از کتاب مالیات حکومتی از دیدگاه و منظر علما و مراجع عظیم‌الشأن تقلید، سازمان امور اقتصادی و دارایی استان قم.
غفاری، محسن، کتاب ارکان اسلام (فروع دین)، دفتر انتشارات اسلامی.
کفشگر جلودار، حسین، "مالیات اسلامی Islamic Tax ضریبیه الاسلامیه"، سایت پژوهشکده باقرالعلوم.
کمیحجانی، اکبر و محمد مهدی عسکری (1383)، "تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 64.
کیا الحسینی، سیدرضاالدین (1385)، "نقش خمس و زکات در فقرزدایی و مقایسه آن با درآمدهای مالیاتی"، کتاب مالیات و توسعه و فصلنامه داخلی امور مالیاتی کشور، زمستان.
گیلک حکیم‌آبادی، محمد نقی (1379)، امکان جایگزینی مالیات بر درآمد خمس و تبیین آثار آن بر برخی متغیرهای اقتصاد کلان، پایان‌نامه دکترا، تهران: دانشگاه تهران.
مدرس، سیدرضا محمد رضا، "مقدمه‌ای در نظام مالیاتی و بودجه اسلام"، انتشارات دانشگاه هجرت.